



«تپش» از آسیب های چت روم های فضای مجازی گزارش می دهد

## دام سیاه سهیلا در چت روم

ازدواج و پیدا کردن يك دختر مناسب، مشکلی بود که سپهر سال ها با آن درگیری داشت. سنش بالا رفته و هنوز ازدواج نکرده بود و پدر و مادر و اقوام هم به او فشار می آوردند تا زودتر دختری را انتخاب کند. هر دختری که مادرش برایش انتخاب می کرد، يك عیبی رویش می گذاشت و پرونده ازدواجش را برای مدت کوتاهی می بست، اما بعد از مدتی دوباره همان آش و کاسه و ازدواج سپهر نقل محافل خانوادگی می شد.

يك روز که حوصله اش سر رفته بود برای تفریح وارد یکی از چت روم ها شد و از اینجا بود که سرنوشت، درس مهمی به او داد: «در چت روم با دختری به نام سهیلا آشنا شدم که از او خیلی خوشم آمد. عکس پروفایلش نشان می داد حلقه نامزدی به انگشتش دارد، اما وقتی از خودش پرسیدم، گفت برای دور کردن مزاحمان از انگشتر استفاده می کند.

بعد از مدتی که از آشنایی مان گذشته بود از من خواست با هم قرار بگذاریم. من هم که در این مدت مشتاق او شده بودم، پیشنهادش را پذیرفتم. وقتی سر قرار رفتم، شیرین آن چیزی نبود که در پروفایلش دیده

به او کرد. سپهر، نه جا خورده بود، بالکنت زبان از او عذرخواهی کرد و گفت شیرین خودش را دختر مجرد جا زده بود و اگر می دانست شوهر دارد، با او هرگز وارد رابطه نمی شد. پسر جوان اما دست بردار نبود و هرچه سپهر عذرخواهی می کرد، او گستاخ تر می شد و سپهر را به شکایت کردن تهدید می کرد.

شب که شد پسر جوان دوباره تماس گرفت و گفت اگر به او ده میلیون تومان پرداخت نکند، از او به جرم مزاحمت برای ناموسش شکایت می کند. سپهر را تهدید کرد که کلی فیلم و عکس و صدای ضبط شده از او در زمان قرار و صحبت کردن با شیرین دارد که اگر آنها را در شبکه های مجازی به اشتراک بگذارد، آبرویش می رود: «من که آبرویم به خطر افتاده بود به او گفتم تا فرداشب به من فرصت بدهد تا این پول را فراهم کنم. آن روز

گفت و گوی تپش با سارق خانه مرد پولدار

## گول خوردم

سرقت را حرفه ای انجام دادند؛ آنقدر که زمانی که مرد سلاح به دست دستگیر شد، باورش نمی شد و در شوك به سر می برد. او و دو نفر از دوستانش از خانه ای در شرق تهران سرقت مسلحانه انجام دادند؛ سرقت مسلحانه ای که نیم ساعت به طول انجامید.

مالباخته را چطور شناسایی کردید؟

من مالباخته را نمی شناختم. چند وقت قبل یکی از رفیق های قدیمی ام زنگ زد و گفت يك كار خوب برایت سراغ دارم. بیا ببینمت. من هم به آدرسی که او گفته بود، رفتم. نمی شد نرفت، رفیق قدیمی ام

بود و بعد از دو سال به من زنگ زده بودم برای همین سراغش رفتم.

کجا رفتی؟

يك قهوه خانه بود. آنجا نقشه سرقت را طراحی کردیم.

نقشه چه بود؟

همان کاری که انجام دادیم. من و دوستم و یکی از دوستانش که بعد متوجه شدم سرایدار ساختمان است، راهی خانه مورد نظر شدیم و وسایل با ارزش و گرانبها را سرقت کردیم.

داخل خانه کسی نبود؟

به من گفته بودند، کسی نیست. اما وقتی وارد شدیم يك مرد میانسال داخل خانه بود. دست و پاهایش را بستیم و من مراقب او بودم و همدستانم سرقت را انجام دادند.

سلاح داشتید؟

سراب دروغین چت روم ها

سرهنگ علی موالی، رئیس پلیس فتای قم با اشاره به معایب و پیامدهای منفی حضور در چت روم ها گفت: یکی از مشکلات و آسیب های مربوط به این اتاق های گفت و گوی مجازی، افزایش دوستی ها و ازدواج های اینترنتی است که جوانان را تهدید کرده و اغلب به دوستی یا ازدواج های ناموفق می انجامد. متأسفانه تعدادی از این افراد با هدف فریب دیگران وارد محیط چت روم شده و از اطلاعات شخصی و محرمانه سایر کاربران سوء استفاده می کنند.

وی افزود: افراد کلاهبردار با اهداف سوء، نام کاربری و اطلاعات کذب و جذاب وارد چت روم شده و با هدف کلاهبرداری و برقراری ارتباط با سایر کاربران چت روم ها، اعتماد طرف مقابل را به دست آورده و اقدام به اخاذی از آنها می کنند. از کاربران فضای مجازی درخواست می کنیم به این افراد اعتماد نکرده و هیچ نوع اطلاعات شخصی از خود را در اختیار آنها قرار ندهند.

آن قدر کار داشتیم که تهدیدهای پسر جوان را فراموش کردم. شب که شد دوباره زنگ زد و با لحن تهدیدآمیزی گفت تو با زن من چت غیراخلاقی داشتی و اگر پول را ندهی به جرم مزاحمت از تو شکایت می کنم. پای آبرویم در میان بود.

فردا صبح پول را از حسابم خارج و به حساب پسر جوان واریز کردم، اما از کلاه ای که شیرین با آن پسر، سرم گذاشته بودند به شدت ناراحت بودم. به پلیس فتا مراجعه کردم و به کارشناس گفتم هرچند مقصر خودم بودم و نباید به افراد ناشناس اعتماد می کردم، اما آن پسری که معلوم نبود شوهرش است یا نه؛ سرم کلاه گذاشته و معلوم نیست با چند نفر دیگر این کار را انجام داده اند. بنابراین از پلیس فتا خواستم تا شکایتم را پیگیری کند.»

سلاح که چه بگویم. يك فندق بود شبیه به سلاح. با آن من تهدید کردیم. خودم خیلی ترسیده بودم. از مالباخته پیرس حواسم به او بود. حتی چند بار آب خواست و به او دادم. می گسکنه می کنم و من مراقبش بودم.

چهره های تان را دید؟

نه. صورت هایمان را پوشانده بودیم. دوستم گفت، به صورت هایمان را بپوشانیم تا دوربین های مدار بسته تصویر از ما نگیرند.

محل سرقت خانه ویلایی بود یا آپارتمان؟

از واحد دوم ساختمان لوکسی سرقت کردیم. ساختمان خیلی بود و دقیق نمی توانم بگویم چطور بود.

بالین همه تجهیزات، چطور وارد خانه شدید؟

رو در رو